

اعتصاب نفتگران: جایگاه و سیر آتی آن

حمید تقوایی

مندرج در انترناسیونال ۹۲۷

این نوشته بر مبنای مصاحبه با کانال جدید
تدوین شده است

خلیل کیوان: اعتصاب کارکنان نفت و گاز و پتروشیمی ها و صنایع وابسته به آن هر روز گسترده تر میشود. بیش از ۷۵ شرکت در ده استان در اعتصاب اند. تاثیر این اعتصاب در اوضاع سیاسی ایران و بر جنبش های اعتراضی و اعتراضات سایر بخش های طبقه کارگر چیست؟ عکس العمل حکومت به این اعتصاب چه خواهد بود؟ پیروزی اعتصاب در گرو چیست؟ حکومت و نیروهای امنیتی و پیمانکاران چگونه با این اعتراضات روبرو خواهند شد؟ نقش رهبری اعتصاب چیست؟ این پرسشها را با حمید تقوایی در میان میگذاریم.

حمید تقوایی پرسش اول من در مورد جایگاه و اهمیت اعتصاب کارگران نفت است. این اعتصاب از دو جنبه، از نظر مطالبات کارگری و همچنین از نظر تاثیر در فضای عمومی جامعه، حائز اهمیت است. شما نقش و جایگاه اعتصاب در این دو جنبه را چطور ارزیابی میکنید؟

حمید تقوایی: به نظر من از هر دو جنبه این اعتصاب دارای جایگاه برجسته و تعیین کننده ای است. تا آنجا که به جنبش کارگری مربوط میشود مطالبه اصلی که

مطرح شده، اینکه دستمزد هیچ کارگری نباید کمتر از ۱۲ میلیون باشد، یک خواست عمومی است که فقط به کارگران نفت محدود نمیشود بلکه خواست همه کارگران در تمام مراکز تولیدی و خدماتی است. مبارزه حول خواست اضافه دستمزد سابقه ای طولانی دارد اما جنبش برای خواست معین حداقل دستمزد ۱۲ میلیون از سال گذشته شکل گرفت و حول این شعار برای اولین بار بازنشستگان و معلمان و مراکز مختلف کارگری مثل کارگران فولاد اهواز در کنار هم قرار گرفتند و تجمعات و تظاهراتی متحدی برپا کردند. در ادامه این جنبش است که امروز کارگران نفت به میدان می آیند. اعتصاب سراسری نفتگران در واقع نقطه اوجی در این جنبش است و بسیار قدرتمند تر و تعرضی تر این مطالبه را روی میز می گذارد. تا امروز این جنبش در شکل تظاهرات و تجمعات بروز پیدا میکرد اما امروز اعتصاب گسترده و سراسری کارگران در یک بخش کلیدی اقتصاد این پرچم را بلند کرده است.

البته کارگران مطالبات دیگری هم دارند که آنها هم خواست همه کارگران است. مطالباتی نظیر دائمی شدن

قراردادهای کار و قطع دست پیمانکاران و ایمنی شرایط کار و غیره. یک خواست ویژه کارگران ده روز مرخصی ماهانه است که بخاطر شرایط سخت و طاقت فرسای کارگران پیمانی در مراکز وابسته به نفت جایگاه مهمی در مبارزه آنان دارد.

در هر حال خواست محوری افزایش دستمزدها به بالای ۱۲ میلیون به این اعتصاب خصلت و چهره ای سراسری میدهد. در یک سطح کلان تر خواست قطع دست پیمانکاران، در امتداد خواست خلع ید در اعتصابات هفت تپه، نشان دهنده جنبه دیگری از جایگاه برجسته اعتصاب نفتگران است.

اما اهمیت این اعتصاب در جنبش کارگری تنها از نقطه نظر مطالبات نیست. جایگاه و تاثیراتش در جنبش کارگری از این نظر هم مهم است که یک اعتصاب بسیار گسترده و سراسری، در یک شاخه مهم یعنی صنعت نفت شکل گرفته است و هزاران کارگر در بخش نفت و گاز و پالایشگاهها و پتروشیمیها و حفاریها و اخیرا رانندگان نفتکشها را در بیش از ۷۵ مرکز تولیدی و در

ده استان بمیدان آورده است. نفس این گستردگی و سراسری بودن این حرکت آن هم در صنعتی که رژیم همیشه تلاش داشته است یک فضای پادگانی و پلیسی در آن ایجاد کند، تحول مهمی در جنبش کارگری و در کل جامعه است. این اولین باری است که در جمهوری اسلامی چنین اتفاقی می افتد.

نکته دیگر درجه سازمان یافتگی و اتحاد و همبستگی کارگران در چنین بخش متنوعی از شرایط کار و قراردادها و پیمانکاران مختلف ورده های مختلف شغلی و استخدامی و کارگران رسمی و پیمانی و غیره است. کارگران تا اینجا توانسته اند بطور موفقیت آمیزی این حرکت گسترده را متحدانه به پیش ببرند.

اینها همه جنبه ها و نقطه قوت های برجسته اعتصاب در جنبش کارگری است.

اما در سطح جامعه هم این اعتصاب اهمیتی سیاسی پیدا میکند. البته نه به این معنی که کارگران خواسته های سیاسی ای مطرح کرده اند، بلکه به این دلیل که در فضای

رادیكال بعد از انتخاب، یا بهتر است بگوئیم انتصاب، رئیسی که تمام جامعه در مقابلش ایستاد و در جریان مضحکه انتخاباتی جواب محکمی به حکومت داد، هنوز رئیس جمهور منفور از راه نرسیده کارگر نفت به میدان آمده و جبهه تازه ای را در مقابل حکومت گشوده است. به این ترتیب جامعه ای که با نه به جمهوری اسلامی پیا خاسته بود اکنون یک حرکت امید بخش و پیشروئی را در جلوی صف میبیند. از این نظر اعتصاب سراسری نفت در فضای سیاسی جامعه حرکت الهام بخشی است که میتواند خون تازه ای در شریان اعتراضات توده ای مردم و جنبش سرنگونی جاری کند.

خلیل کیوان: بخش بزرگی از کارکنان صنعت نفت - بیش از ۷۵ درصد آن - غیر رسمی اند و در شرکت های پیمانکاری وابسته به این صنعت مشغول به کار هستند. طبق آخرین خبرها و بیانیه های شورای سازماندهی اعتراضات کارگران پیمانی صنعت نفت، اعتصاب در بیش از ۷۵ مرکز و در ده استان کشور در جریان است. با توجه به پراکندگی این کارکنان و برخورد متفاوت پیمانکاران، اعتصاب چگونه میتواند به اهداف خود برسد؟ روحانی

گفته است که اعتصاب ربطی به شرکت نفت ندارد و باید با شرکت های پیمانی حل و فصل شود.

حمید تقوایی: یک کاربرد و ارزش مصرف شرکتهای پیمانکار و واسطه برای سرمایه داران و دولتشان اینست که بتوانند کارفرماهای متعددی در برابر بخشهای مختلف کارگران در یک صنعت و شاخه تولیدی قرار بدهند و به این ترتیب اجازه ندهند یک اعتراض و اعتصاب هماهنگ و سراسری شکل بگیرد. همین اظهارات روحانی که گفته است این اعتصابات به وزارت نفت مربوط نیست و کارگران بروند یا پیمانکاران به توافق برسند و یا صحبتهای اخیر زنگنه و بقیه مقامات حکومتی که مساله را فقط به کارگران بخش رسمی که در استخدام دولت هستند محدود کردند - میدانید بخش رسمی هم به تجمع اعتراضی در روز ۹ تیرماه فراخوان داد - خود بخوبی کاربرد و ارزش مصرف پیمانکاری برای حکومتها را عیان میکند. دولتها در قبال اعتراضات و اعتصابات کارگران پیمانی این موضع را میگیرند که ما با پیمانکاران قرارداد بسته ایم و شما کارگران هم باید با پیمانکار خود به توافق برسید.

منتها علیرغم همه اینها نفس اینکه اعتصاب سراسری در چنین سطح گسترده ای شکل گرفته است و هر روز بخشهای دیگری به اعتراض می پیوندند نشاندهنده آنست که تا اینجا این ترفندهای حکومت بجائی نرسیده است. دولت و پیمانکاران خوشبختانه تا امروز نتوانسته اند بین بخشهای مختلف تفرقه بیندازند. نتوانسته اند اساسا به این دلیل که کارگران خواستهای سراسری و در برگیرنده همه کارگران را روی میز گذاشته اند و اجازه نداده اند حتی بین کارگران رسمی و پیمانی تفرقه بیفتد. میدانید که سطح حقوقی رسمی ها بیشتر از ۱۲ میلیون است و اساس اعتراضشان اینست که با مصوبات تازه مجلس حقوق آنها کاهش یافته است. اما کارگران با طرح خواست افزایش همه سطوح دستمزدی در کنار شعار "دستمزد هیچ کارگری نباید از ۱۲ میلیون کمتر باشد"، توانسته اند چتر فراگیری ایجاد کنند و در کنار هم قرار بگیرند.

اینها نقطه قوت اعتصاب جاری است ولی هیچ چیز تضمین شده نیست. روشن است که در ادامه اعتصاب،

حکومت و پیمانکاران تلاشهای بیشتری برای به عقب راندن و به شکست کشاندن آن خواهند داشت. این تلاشها فی الحال شروع شده است. در بخش هائی پیمانکاران کارگران را به مذاکره فراخوانده اند و سعی میکنند با بخش هائی از کارگران اعتصابی به توافق برسند. کارگران در مقابل اعلام کرده اند خواست ما سراسری است و اجازه نمیدهیم با وعده وعید به بخشهای مختلف در صفوف ما تفرقه ایجاد کنند. ترجیح کارگران اینست که در سطح سراسری مذاکره کنند و به توافق برسند. با این همه محتمل ترین حالت این است که در بخش هایی پیمانکاران به خواستهای معینی از کارگران تن بدهند. در این صورت کارگران باید این امر را به عنوان نمونه ای از امکان پذیری تحقق خواست هایشان در برابر دیگر پیمانکاران قرار دهند و خواستار تحقق آن خواسته معین در سطح سراسری بشوند. می خواهیم بگوییم در صورتی که به بخش هائی از کارگران نه با وعده و وعید، بلکه عملاً و بطور واقعی امتیازات معینی بدهند نباید این امر باعث تضعیف اتحاد سراسری کارگران بشود بلکه برعکس باید آنرا نتیجه اعتصاب سراسری دانست و بر ادامه آن تا تحقق خواست همه

کارگران پای فشرد.

خلیل کیوان: یک ویژگی این اعتصاب اینست که دارای رهبری است. در دل این اعتصاب نهادی به عنوان شورای سازماندهی اعتراضات کارگران پیمانی شکل گرفته و تا کنون بیانیه‌های منتشر کرده است. برخی میگویند روشن نیست این شورا چگونه شکل گرفته است و پرسش و ابهاماتی در مورد ماهیت این شورا و نقش و عملکرد آن مطرح میکنند. نظر شما در این مورد چیست؟

حمید تقوایی: کارگران ایران بخاطر دیکتاتوری عریان و خشن حکومتها نتوانسته‌اند از تشکلهای توده‌ای و علنی برخوردار باشند و از اینرو به ناگزیر اعتصابات به شکلی که در غرب "اعتصاب گربه وحشی" خوانده میشود شکل میگیرند. یعنی اعتصابات بدون فراخوان و رهبری تشکلهای و نهادهای کارگری رسمی و شناخته شده و به شکل غیرقانونی. بعبارت دیگر این امکان وجود ندارد که کارگران در تشکلهای علنی و قانونی خود تصمیم بگیرند و نماینده انتخاب کنند

و مانند کشورهای غربی رهبران اعتصاب با اسم و رسم برای همه شناخته شده باشند. در چنین شرایطی رهبری اعتصاب در روند اعتصاب شکل میگیرد. در مورد هفت تپه و کارگران فولاد اهواز این اتفاق افتاد و امروز در مورد اعتصاب نفتگران هم شاهد همین روند هستیم. اینکه شورای سازماندهی اعتراضات کارگران پیمانی معرفی و شناخته شده نیست و یا رابطه اش با کارگران روشن نیست ناشی از موانع و محدودیت هائی است که به کارگران تحمیل شده است. راه دیگری وجود ندارد. مهم اینست که نهادی که شکل گرفته چه سیاست و خطی را دنبال میکند، چه رهنمودهائی میدهد، و مهمتر از همه تا چه حد مورد اعتماد کارگران اعتصابی است.

در شرایطی مثل جامعه ما رابطه ارگانهای رهبری و سازماندهی اعتصابات با توده کارگر اساساً بر مبنای اعتماد شکل میگیرد. و این اعتماد البته در جریان عمل و در دوران مبارزه بدست می آید. یعنی از طریق رهنمودها و فراخوانها و مواضعی که در برابر دولت پیمانکاران دارد و تلاشی که برای حفظ وحدت کارگران اعتصابی بکار میبرد و غیره.

از بیانیه هائی که تا بحال شورای سازماندهی منتشر کرده است اینطور به نظر میرسد که خط درستی را در پیش گرفته است. و تا امروز توانسته است اتحاد بین کارگران رسمی و پیمانی و مراکز مختلفی که به اعتصاب پیوسته اند را حول خواسته‌های مشترک همه کارگران حفظ کند.

در هفت تپه هم همینطور بود. رهبران اعتصاب هفت تپه هم رسماً و از جانب توده کارگران انتخاب نشدند بلکه اتوریته خود را در جریان عمل کسب کردند.

اهمیت شکل گرفتن رهبری در اعتصاب جاری حتی در مقایسه با هفت تپه، اینست که نه با اسم مبهم جمعی از کارگران و یا نظایر آن، بلکه از همین ابتدا با اسم مشخص شورای اعتراضات اعلام موجودیت کرده است و بیانیه‌ها و گزارشات و رهنمودهای خود را با این امضا منتشر میکند. و همین باعث شده است توجه کارگران هر چه بیشتری و همچنین افکار عمومی و رسانه‌ها در داخل و خارج ایران را به خود جلب کند. به نظر من هر

نیروئی که واقعا دلش برای کارگران میتپد و میخواهد این اعتصاب تقویت بشود باید از این شورا حمایت کند.

خلیل کیوان: با توجه به اهمیت سیاسی اعتصاب تاثیر آن بر مبارزات دیگر بخش های طبقه کارگر و بر سایر جنبش های اعتراضی و جنبش های حق طلبانه را چگونه می بینید؟

حمید تقوائی: فضای سیاسی جامعه ایران بخصوص در شرایط حاضر طوری هست که هر اعتراض و اعتصابی حتی اگر کاملا صنفی و مطالباتی باشد به سرعت معنی سیاسی پیدا میکند. چرا که باعث و بانی همه مسائل و معضلات مردم حکومت جمهوری اسلامی است و از اینرو هر اعتراضی عملا حکومت را به چالش میکشد.

تا آنجا که به واحدها و مراکز تولیدی مربوط میشود حکومت عملا و مستقیما دخیل و ذینفع در تحمیل بیحقوقی و چپاول هر چه بیشتر کارگران است. مثلا در همین مورد اعتصاب نفتگران ظاهرا کارگران باشکتهای پیمانکار طرف هستند ولی همه میدانند که این شرکتها،

نظیر باندهای خصوصی - دولتی، با هزار و یک بند به دولت و اعوان انصار آیت الله های میلیاردی و باندهای حکومتی متصل هستند. در جمهوری اسلامی برخلاف کشورهای دیگر، بخش خصوصی و دولتی و شرکتهای پیمانکار و موسسات دولتی و غیره نهادهای مجزائی نیستند بلکه دستشان در جیب همدیگر است. اساس کار در بستن قراردادها وابستگی به سپاه و بسیج و بیت رهبری و دیگر ارگانهای قدرت و برخورداری از رانت دولتی است و نه مثلا برنده شدن در مناقصه ها و مزایده ها. پیمانکاران در واقع بخش غیر رسمی خود دولت و باندهای مافیائی حاکم هستند.

به این اعتبار هر نوع مقابله کارگران علیه کارفرماهای خصوصی و یا پیمانکار و غیره عملا در مقابل دولت قرار میگیرد.

از سوی دیگر هر اعتصابی را خود دولت سیاسی - امنیتی میکند. فعالین و رهبران کارگری که خواستار حقوق پایه ای شان هستند را به جرم به خطر انداختن امنیت ملی دستگیر و بازداشت میکند و با پرونده سازی سیاسی -

امنیتی محکوم و زندانی‌شان میکند.

بنابراین هم از نظر اقتصادی و هم از نظر سیاسی هر حرکت اعتراضی و حق طلبانه ای فوری بازتاب و معنی سیاسی پیدا میکند.

بخصوص همانطور که در ابتدا اشاره کردم در شرایط امروز اعتصاب نفت عملاً دارای نقش و جایگاه سیاسی مهمی است. در جریان مضحکه انتخابات جنبش سرنگونی گام‌های بزرگی بجلو برداشت به این معنی که فعالین و مردم عادی صریح و روشن و با اسم و رسم در تریبون‌های خیابانی و در مدیای اجتماعی به سرنگونی حکومت رای دادند. به این ترتیب جنبش سرنگونی که قبلاً در سطح حرکت‌های توده ای و خیابانی حضور داشت امروز در سطح فعالین و چهره ها و نهادهای مبارزاتی علنا و با اسم و رسم به میدان آمده است.

در چنین شرایطی اعتصاب نفت با توجه به ابعاد و سراسری بودنش بسیار بیشتر از هر تحول دیگری بر فضای سیاسی تاثیر میگذارد و چراغی در برابر جنبش

سرنگونی قرار میدهد. جامعه در مییابد که با تظاهرات و تجمعات و شورشهای خیابانی این بار با اتکا بر و با پشت گرمی اعتصابات سراسری میتواند ضربه نهائی را به حکومت بزند.

این چشم انداز امیدبخش امروز در برابر جامعه قرار گرفته است و از همین رو ما شاهد پیامهای همبستگی از جانب نه فقط بخشهای دیگر جنبش کارگری مثل هفت تپه و فولاد اهواز، و نهادها و چهره های کارگری بلکه از جانب فعالین جنبشهای دیگر هستیم. نمونه اش جنبش دادخواهی و مادران جانباختگان هستند که علنا از این اعتصاب پشتیبانی کردند و آنرا ادامه آبان نامیدند.

خلیل کیوان: سیر و روند اعتصاب به کدام سوست؟ موفقیت و پیروزی آن در گرو چیست؟ رژیم و نیروهای امنیتی آن بیکار نخواهد بود و فقط نظاره گر اوضاع نیستند. تاکتیک های رژیم چه خواهد بود و برای مقابله با آن چگونه باید آماده شد؟

حمید تقوایی: بدیهی است حکومت تمام سعی اش را میکند که اعتصاب را به شکست بکشانند. ولی به نظرم در موقعیتی نیست که بتواند با سرکوب سراسری و بازداشت و دستگیری به سراغ کارگران بیاید. میدانم در شرایط سیاسی امروز این برخورد آتش اعتراضات را شعله ورتر خواهد کرد. اولین تلاش حکومت اینست که همانطور که اشاره کردم با توجه به پیمانکاران مختلف صفوف کارگران را بشکند و این کار را فی الحال شروع کرده است. حکومت همچنین تلاش خواهد کرد با سردواندن کارگران و طولانی کردن مدت اعتصاب کارگران را خسته و فرسوده کند. میدانید که طولانی شدن اعتصابات فقط به ضرر کارفرما و دولت نیست بلکه موجب ضعف و نومییدی صفوف اعتصاب هم خواهد شد. کارگر بالاخره باید بتواند زندگی خود و خانواده اش را تامین کند. البته با سازماندهی صندوقهای اعتصاب میتوان تا حدی از این امر جلوگیری کرد ولی نهایتاً اعتصاب طولانی به فرسودگی کارگران منجر خواهد شد. دولت و کارفرما میتوانند این فرسودگی و خستگی را با اخراج در بعضی مراکز اعتصابی و یا تهدید و ارباب کارگران همراه کنند و یا با اعمال فشارها و محدودیت

هائی مثل بستن خوابگاهها و یا قطع برق و آب این مراکز و غیره که از هم اکنون شروع شده است، اعتصاب را بشکنند.

اینها تاکتیک هایی هست حکومت میتواند اتخاذ کند. البته امکان دستگیری فعالین اعتصاب هم هست و اگر حکومت بتواند صفوف اعتصاب را به اندازه کافی ضعیف کند بازداشت و سرکوب بیشتری را در دستور خواهد گذاشت.

در برابر همه اینها چه باید کرد؟ به نظر من قبل از هر چیز کارگران باید اولاً بر مطالبات متحد کننده ای که تا بحال مطرح کرده اند تاکید کنند و ثانياً حمایت بخشهای هر چه بیشتری از کارگران سایر بخشها و فعالین جنبشهای اعتراضی و کل جامعه را جلب کنند. حتی باید در خارج کشور حمایت سازمانهای کارگری و نهادهای و نیروهای مترقی و افکار عمومی را به اعتصاب نفتگران در ایران جلب کرد. رسوائی های حکومت در چند ساله اخیر که افتضاح انتخاباتی آخرین نمود آن بود فضای عمومی در کشورهای غربی را برای حمایت

از اعتصابات و اعتراضات در ایران بیش از پیش فراهم کرده است. هر چه این حمایتها در داخل و خارج کشور گسترده تر باشد به همان اندازه احتمال موفقیت هر یک از تاکتیک‌هایی که رژیم و پیمانکاران علیه اعتصاب بکار می‌گیرند ضعیف تر خواهد شد.

نکته آخر اینکه کارگران و بویژه شورای سازماندهی باید آماده و مترصد باشند تا در شرایط مناسب و در شرایطی که هنوز اعتصاب در نقطه اوج خود است به مذاکره برای قبولاندن خواسته‌های اعتصاب به پیمانکاران و دولت پردازند. به این منظور باید نمایندگان که رای و اعتماد توده کارگران را با خود داشته باشند تعیین و معرفی شوند و این امر نیز باید در روند اعتصاب انجام شود.

محور پیشبرد این اقدامات سازمان یافتگی است و به این بستگی دارد که رهبران اعتصاب و شورای سازماندهی تا چه حد میتوانند اعتماد کارگران بخشهای مختلف را بدست بیاورد.

بعنوان آخرین نکته در یک سطح عمومی ارزیابی من اینست که این اعتصاب حتی اگر به تمام خواست هایش نرسد و حتی اگر رژیم موفق شود اعتصاب را به شکست بکشاند تا همینجا یک دستاورد مهمی در جنبش کارگری است و بخصوص در فضای سیاسی عمومی جایگاه مهمی پیدا میکند و میتواند در ادامه خودش راه را برای شکل گرفتن اعتصابات سراسری همه کارگران و زمینه سازی یک اعتصاب عمومی هموار کند و از این نقطه نظر، مستقل از نتیجه خود اعتصاب، نقش مهم و تعیین کننده ای در مبارزات مردم ایران برای بزیر کشیدن جمهوری اسلامی ایفا نماید.

۳۰ ژوئن ۲۰۲۱

وب سایت:
www.wpiran.org

تقاضای عضویت و همکاری، ارسال پیام و
گزارش از طریق:

پیامگیر تلگرام: [@wpi_tamas](https://t.me/wpi_tamas)

و یا با ارسال پیام به شماره

۰۰۴۶۷۰۰۴۴۷۴۲۵

سیگنال، واتساپ و تلگرام

اینستاگرام